

OCTOBER

اکتبر ۱۸

۹ دی ۱۳۸۳ ، ۲۹ دسامبر ۲۰۰۴

نشریه کمیته
کردستان حزب
کمونیست کارگری
ایران - حکمتیست



مصاحبه رادیو پرتو با
حسین مرادبیگی دبیر کمیته
کردستان حزب کمونیست
کارگری ایران حکمتیست

جدال کمونیسم و ناسیونالیسم
در باره مباحث نشست اخیر شورای
کادریهای کمیته کردستان

صفحه ۲

تور سیاسی موفقیت آمیز هیاتی از سازمان آزادی
زن عراق و حزب کمونیست کارگری عراق در ژاپن



مصاحبه اسماعیل ویسی با
آرام فروتن در باره معضل
اعتیاد به مواد مخدر در
کردستان

اعلامیه کمیته سندج در باره مبارزه و
تحصن کارگران کارخانه نساجی کردستان

پیام مظهر محمدی به کارگران کارخانه
نساجی در سندج

اعلامیه های کمیته سقز، سردشت و بانه

قهر کور طبیعت در بستر فجایع نقشه مند یک نظام ضدانسانی

در باره زلزله اخیر اقیانوس هند

ایرج فرزاد



در عرض ۶ سال در سوانحی که فقط
زلزله بر بشریت تحمیل کرده است ما
با این نمونه ها روبرو شدیم:

* در ۷ دسامبر ۱۹۹۸ زلزله ای با
قدرت ۶٫۸ درجه در مقیاس ریشتر
در اسیتاک ارمنستان ۲۵۰۰۰ کشته
برجای گذاشت

* در ۲۰ ژوئن ۱۹۹۰ زلزله ۷٫۷
درجه ای، در استان گیلان ایران و در
رشت و مناطق اطراف ۴۰ تا ۵۰
هزار نفر را کشت.

* در ۱۷ اوت ۹۹ زلزله دیگری در
مقیاس ۷٫۷ درجه که منطقه ای در
غرب آنکارا، ترکیه را لرزاند،
۱۷۰۰۰ کشته و ۵۰ هزار زخمی بر
جای گذاشت.

در ۲۶ ژانویه ۲۰۰۱ زمین لرزه ۷٫۷
درجه ای ایالت گوجارات هند، جان
۲۰ هزار نفر را گرفت و ۶۰۰ هزار
نفر را بی خانمان کرد.

در ۲۶ دسامبر ۲۰۰۳ از شهر بم،
در ایران، فقط ۱۵ درصد ساختمانها
باقی ماند. رقم کشته ها به مرز ۴۰
هزار نفر رسید. شدت ۶٫۶ درجه بود
* و اکنون فاجعه زلزله اقیانوس
هند که قربانیان آن سریلانکا و
اندونزی و تایلند و هند و چند کشور
دیگر را در بر گرفته است. تعداد
کشته ها از مرز ۶۰ هزار نفر گذشته
است و هنوز خبر گزارها از هزاران
نفر مفقود شده و شمارش نشده
گزارش میدهند. قدرت این زلزله
۹٫۸ درجه ریشتر بوده است.

سوال این است که آیا واقعا بشر این
اندازه در مقابل نیروهای کور غضب

طبیعت ناتوان و مستاصل است؟ آیا
واقعا اگر امکان پیش بینی زمان
وقوع زلزله هنوز ممکن نشده است،
اما مناطق زلزله خیز در هر حال
معلوم شده است، بشر مجبور است
که در برابر نعره نهیب مرگ نیروهای
قهار طبیعت عاجز و دستپاچه
منتظر بماند؟ چگونه است که برای
زلزله های آگاهانه و قهر نقشه مند،
از نوعی که در یوگوسلاوی سابق
دیدیم و از نوعی که در عراق
میبینیم، قدرت بسیج تخریب و
ویران سازی مدنیت جوامع این اندازه
سریع، با استفاده از پیشرفته ترین
از پیش طراحی شده ←

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کردستان، جدال کمونیسم و ناسیونالیسم در باره مباحث نشست اخیر شورای کادریهای تشکیلات کردستان حزب

داخل و خارج ایران بود، تازه شروع کاری بود برای خیز برداشتن و انجام پروژه‌ها و کارهای اجتماعی بزرگتر در روزها و ماههای آینده، رضایت ما از این است. در مورد کردستان ایران، با پیوستن اکثریت تشکیلات کردستان به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست و به یمن حضور فعال رهبران و چهره های شناخته شده کمونیسم کارگری در عرصه های مختلف مبارزه و حرکات اجتماعی، خوشبختانه در فعالیت کمونیسم آگاه و روشن بین در کردستان ایران نه تنها وقفه ای ایجاد نشد، بلکه حزب و جنبش ما بسرعت ثقل اجتماعی خود را بازیافت، همایش دفاع از حقوق کودک، همدردی که در جریان کمپین ژیل و بختیار در میان مردم میروان و خانواده آنان علیه جمهوری اسلامی و

قوانین ضد بشری اسلامی بوجود آمد و واقع از کار چند ماهه این دوره بعنوان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست است، این تازه حداقلی از انتظار، توانایی ها و ظرفیت های ماست. تشکیلات کردستان البته قبل از این نیز یک دوره چند ماهه فعالی را پشت سر گذاشت که طی آن رهبران کمونیست به شهر میروان رفتند، سپس طی ماموریت دیگری برای یکی دو هفته در منطقه سقر و بانه حضور یافتند، ۸ مارس باشکوهی بویژه در شهر سنندج داشتیم، کمپینها و حرکات اعتراضی وسیع دیگری داشتیم، این یعنی چند کار خلاف جریان مهم که متأسفانه در دل تلاطم و کشمکشهای درون حزب کمونیست کارگری ایران انجام گرفتند. این دوره، دوره سه ماه و نیم گذشته، که ما از حزب کمونیست کارگری ایران جدا شدیم و حزب حکمتیست را ایجاد کردیم، چند حرکت مهم از جمله کمپین ژیل و بختیار، تعصن پناهندگان در شهر استکهلم سوئد و همچنین ۱۶ آذر را داشتیم که حاصل دخالت مستقیم ما و از جنس کاری که بود که حزب منصور حکمت میبایستی انجام دهد. این سه حرکت مهم حضور جنبش و حزب ما را در جامعه برجسته کرد، به نحوی که اکنون حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست یک واقعیت سیاسی موجود و فعال در صحنه سیاسی ایران است که حتی مخالفینش هم نمیتوانند آن را نادیده بگیرند. این محصول تلاش خستگی ناپذیر و شبانه روزی ما رهبران و کادرها و اعضای این حزب در

مصطفی اسد پور: نشست شورای کادریهای تشکیلات کردستان به پایان رسید، موضوعات این نشست، موضوع مصاحبه برنامه امروز رادیو پرتو است. کردستان باتوجه با محبوبیت سابقه دار سیاستهای چپ و رادیکال و کمونیستی و با توجه به تجمع چهره های سرشناس و محبوب و مردمی و با توجه به تناسب قوای بین مردم در مبارزه علیه جمهوری اسلامی جای ویژه ای برای حزب ما بخود اختصاص داده است، سوالم از شما حسین مرادیگی بعنوان دبیر کمیته کردستان حزب این است، در گزارش شما در مورد کارهای صورت گرفته رضایتی مشاهده میشود کرد، این چگونه است؟ میخوامم از همین زاویه به تصویر گویایی از این جامعه و از خود شما برسیم؟

حسین مرادیگی: رضایت ما در واقع از کار چند ماهه این دوره بعنوان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست است، این تازه حداقلی از انتظار، توانایی ها و ظرفیت های ماست. تشکیلات کردستان البته قبل از این نیز یک دوره چند ماهه فعالی را پشت سر گذاشت که طی آن رهبران کمونیست به شهر میروان رفتند، سپس طی ماموریت دیگری برای یکی دو هفته در منطقه سقر و بانه حضور یافتند، ۸ مارس باشکوهی بویژه در شهر سنندج داشتیم، کمپینها و حرکات اعتراضی وسیع دیگری داشتیم، این یعنی چند کار خلاف جریان مهم که متأسفانه در دل تلاطم و کشمکشهای درون حزب کمونیست کارگری ایران انجام گرفتند. این دوره، دوره سه ماه و نیم گذشته، که ما از حزب کمونیست کارگری ایران جدا شدیم و حزب حکمتیست را ایجاد کردیم، چند حرکت مهم از جمله کمپین ژیل و بختیار، تعصن پناهندگان در شهر استکهلم سوئد و همچنین ۱۶ آذر را داشتیم که حاصل دخالت مستقیم ما و از جنس کاری که بود که حزب منصور حکمت میبایستی انجام دهد. این سه حرکت مهم حضور جنبش و حزب ما را در جامعه برجسته کرد، به نحوی که اکنون حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست یک واقعیت سیاسی موجود و فعال در صحنه سیاسی ایران است که حتی مخالفینش هم نمیتوانند آن را نادیده بگیرند. این محصول تلاش خستگی ناپذیر و شبانه روزی ما رهبران و کادرها و اعضای این حزب در

درآمده است، توان مهار و چیرگی بر نیروهای کور طبیعت را دارد. زنجیر و مانع فوران این نیرو، سرمایه و رژیم سرمایه داران و قانون ذاتی حرکت سرمایه است که از بسیج قدرت انسانیت و اتحاد اراده بشریت در مصاف با قهر طبیعت به اتکا نیروی رژیمهای پلیسی، نظامی مذهبی، و دستگاہهای عریض و طویلی که فقط و صرفاً برای حفظ و بقای استثمار انسان و قدرتگیری سرمایه، حلقوم بشریت را میفشارند، جلوگیری میکنند. کره خاکی به اندازه بیش از حد کافی برای ساکنین خود جا و مکان امن و امکانات یک زندگی مرفه و خوشبخت را دارد. مشکل زلزله نقشه مندی به اسم سرمایه و سرمایه داری است که در دقایق روزانه زندگی شهروندان و بشریت کابوس ناامنی و وحشت تولید و بازتولید میکنند. وحدت اراده مردم برای کمک به، و حمایت از قربانیان زلزله، یک عکس العمل طبیعی جوهر انسانیت است که مرز ملیت و قومیت و مذهب و هر خرافه دیگری را در هم میکشند. این اراده انسانی بر سر راه خود با زنجیرهای آشکار و پنهان سرمایه و دولت‌های حافظ استثمار سرمایه و سیستم بردگی مزدی روبروست. بشریت در راه حفظ همبستگی انسانی و در هم تنیدن جوشش عظیم عاطفی برابری جهانشمول حق انسانها، باید و ناچار است سیستم بردگی مدرن را با همه دستگاهها و دول و دوایر بوروکراتیک و طفیلی و سرکوبگر زیر بکشد. این زلزله اجتماعی را که وحشت و رعب و هراس، تولید روزانه آن در زندگی میلیاردها بشر است، مهمترین عامل در مبارزه بشر برای مهار و چیرگی بر نیروهای قاهر طبیعت است. حفظ زندگی آن صدها هزار نفری که طی همین ۶ سال اخیر قربانی زلزله شدند، ممکن بود اگر ما شاهد قدرت و منفعت سرمایه رژیمهای نظامی، دیکتاتوری، اسلامی و جنایتکار با دستگاههای عریض و طویل نظامی و پلیسی و امنیتی و جاسوسی برای سلطه خود بر زندگی و مقدرات شهروندان نبودیم. شرط آزاد شدن قدرت بالقوه و بالفعل بشریت برای مبارزه در مهار و رام کردن قدرت قهار نیروهای طبیعت، آزاد شدن از قدرت قهریه سرمایه و رهائی از نظام استثمار انسان است. ■

توازن قوا بین نیروی مردم و قهر و بیرحمی سرمایه هنوز اشکال پنهان و مرموزی را حفظ کرده است، ناامنی در زندگی و هراس و کابوس از فردای شهروندان امواج زلزله سرمایه داری را در تمام دقایق به عمق زندگی انسانها برده است. این نیروی قاهر سرمایه، اگر خود سانه و زلزله و پس لرزه های "غیر طبیعی" اما نقشه مند را و به مراتب مهیب تر و بیرحم تر به جزئی از زندگی میلیاردها مردم جهان بدل کرده است، در عین حال برای حفظ سلطه



خود بزرگترین مانع در راه بشر برای مهار کردن نیروهای کور طبیعت اند. سرمایه و منفعت سرمایه، بشر را از بکار انداختن حاصل دستاورهای علمی و تکنیکی در برابر سوانح طبیعی و در راه بهزیستی و رفاه و سعادت خود بازداشته است. آنگاه هم که فجایعی چون زلزله کابوس مرگ را بالای سر مردم میگردد، باز مدافعین نظم سرمایه دستگاههای ایدئولوژیک خود را فعال میکنند تا به انواع مختلف طوق مذهب را و باورهای مذهبی را و اعتقادات خرافی به ماورا طبیعت را بر مردم سفت و سنگین تر کنند، تا بشریت را با نشان دادن این برزات قهر طبیعت، به شکرگزاران قهر و استثمار و بیرحمی سرمایه داری فراخوانند، تا ناتوانی و عجز بشر را در برابر خدایگان مرموز آسمانها و جنهمها در مقابلشان بگیرند. در چنین لحظاتی است که پاپ و کلیسا و مسجد و صدقه های دول معظم را و ترحم مذهبی را به میان مردمی که فلج شده اند، هست و نیستشان را از دست داده اند و بر اجساد عزیزانشان اشک میریزند پرتاب میکنند تا باز بر متن عاطفه شکنجه شده انسانهایی که خود ناتوان و عاجز کرده اند، حس و روحیه یاس و ناتوانی در مقابل قدرت ازلی و پایدار سلطه سرمایه و سرمایه داران را مقدس و غیر قابل تخطی جلوه گر شوند. اما انسان، قدرت بالقوه و نیروی عظیمی که حتی با تمام وحشیگریهای سرمایه داری به فعل

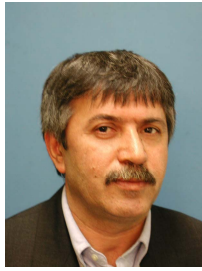
را اجرا کند و انسانهای زنده را با ابزار و تکنیکهای بسیار پیشرفته به زیر آوار بفرستد و در عراق حتی پناهگاههای عمق مناطق مسکونی را منفجر کند، اما برای نجات انسانهایی که خود رسانه های رسمی تصاویرشان را مخابره میکنند، خبری از هیچ جنب و جوش رسمی نیست؟ این سیاست و اعتقاد به تعجیل و برنامه ریزی در مرعوب کردن انسانها و تناقض آن با بی تفاوتی و بی مسئولیتی و



خونسردی در برابر عوارض و عواقب فاجعه ای که همه میدانند مردم کدامین مناطق را تهدید میکند، از کجا سرچشمه میگردد؟

چرا ممکن نیست که کلیه مردم مناطق زلزله خیز را تماماً به مکان دیگری منتقل کرد؟ چه دلیلی دارد که در میان هزاران هزار و میلیونها هکتار از مساحت متروک و غیر مسکونی جهان، این مناطق همواره در معرض کابوس قهر طبیعت، نیز نا امن برای بشر و متروکه و غیر قابل مسکونی اعلام نمیشوند؟ سرمایه هیچ مرز ملی و مقررات بین المللی و هیچ مذهب و ملیت و قومیتی را برای خود برسمیت نمیشناسد و در عین حال به زبان هر ملیتی سخن میگوید، اما بردگانش را با تقدس زادگاه و خرافه تعلقات قومی و مرز و بوم و ملیت و مذهب و میراث کهن میخ میکند. سود، منفعت، سرمایه و قدرت سرمایه و رژیمهای "کشوری" و "ملی" سرمایه و سرمایه داری خود بزرگترین و اصلی ترین مانع در راه مبارزه بشر علیه نیروهای قهر طبیعت اند. اگر نه در این کرده خاکی سرزمین و منابع زندگی امن و امکانات کار و فعالیت خلاق به اندازه بیش از حد لازم وجود دارد. بحث این است که رفاه و سعادت و امنیت بشر برای سرمایه داری "هزینه" دارد، حفظ و ارتقا زندگی و حرمت مردم و طول عمر آنان، با اشتباهی بیرحم و عاری از هر نوع عاطفه پول و سرمایه در تناقض است. سرمایه داری حتی در پیشرفته ترین کشورها، جایی که

مصاحبه اسماعیل ویسی با آرام فروتن، در مورد اعتیاد به مواد مخدر



اسماعیل ویسی: میدانید که رشد و گسترش ابتلا به استعمال مواد مخدر در جامعه ایران و کردستان به یکی از معضلات بزرگ اجتماعی مبدل شده است، ابعاد فاجعه آمیز این مسئله در جامعه کردستان از لحاظ کمی چگونه است؟ و آیا آماری تقریبی در این رابطه وجود دارد؟

آرام فروتن: پخش و مصرف مواد مخدر متأسفانه یکی از معضلات بزرگ و فاجعه آمیزی میباشد که در ایران به سرعت در حال گسترش و پیشروی است. میتوان با جرات گفت که ۹۵ درصد از خانواده های ایرانی با مشکلی به نام اعتیاد در ارتباط بوده اند و از آنجست ←

داده اند. بهاء ادب و "فراکسیون نمایندگان کرد در مجلس اسلامی" البته با اضمحلال و مرگ دوم خرداد از بین رفتند، با این وصف هنوز هستند کسانی از این دست که ابزار رژیم اسلامی در کردستان ایران هستند. مردم اینها را می شناسند، بوقت خودش آنان را از نظر سیاسی رسوا و از میان خود طرد میکنند.

مصطفی اسد پور: وقتی گزارش را میخوانیم که برای من هم سوال از ابراز رضایت خاطر شما شروع شد، و در آخر اشاره میکنید که این همه آن ظرفیت و توانایی حزب در کردستان نیست، شما خود را در یک توقع چهار میخ میکنید، تحت عنوان حزب سیاسی درگیر در ارتباط تنگاتنگ با مردم و آینده سیاسی که جلو جامعه ترسیم میکنید، نمیتوانید خطوط اقدامات عملی مهم رو به آینده خود را با ما بگویید؟

حسین مرادیگی: ما همانطور که پیشتر گفتیم باید سریعاً به رهبر "نه" مردم کردستان ایران به جمهوری اسلامی تبدیل شویم، در چهار تا ۶ ماه آینده باید مبتکر حرکات اعتراضی اجتماعی وسیع در میان کارگران، زنان، جوانان و دیگر بخشهای مردم کردستان ایران باشیم، باید خود را مستقیماً به حرکات اعتراضی وسیع در سطح جامعه وصل کنیم، یک دوره دیگر رهبران و شخصیتهای با اتوریته و محبوب کمونیست در کردستان را با استفاده از امکانات رادیو، تلویزیون، نشریات در سطح وسیعی در دسترس مردم کردستان قرار دهیم، باید برای قرار دادن رهبران و فعالین کارگری و جنبشهای اعتراضی در رهبری اعتراضات توده ای شهری در شهرهای مختلف کردستان تلاش و امکان سازی کنیم، باید حزب و حزبیت را تقویت کنیم و صف حزبی محکمی ایجاد کنیم، حزبی سیاسی توده ای که در این مدت تدریجاً بر محلات و شهرهای مختلفی در کردستان ایران کنترل داشته باشد، تشکیلاتی با رهبری متمرکز و درگیر در جلو صحنه، دخیل در حرکات اعتراضی در کردستان ایران، به نحوی که شعارها و مطالبات ما، حزب حکمتیست، به شعارها و مطالبات علنی مردم در کردستان ایران تبدیل شود. ■

دمکرات، مشغول بسیج نیرو برای جنبش خود شد، پدیده بهاء ادب، "فراکسیون نمایندگان کرد در مجلس اسلامی" و مطبوعات و نشریات مختلف، اینها همه نیروی جنبش ملی کرد بودند، هستند و هنوز هم بخشا برای آن هم فعال هستند، اینها در واقع امتیازی بود که جمهوری اسلامی به ناسیونالیسم کرد میداد، برای ایجاد یک ناسیونالیسم بی آزار پرو رژیم، که سخنگویان ناسیونالیسم کرد آن را "پروژه آشتی از راه فرهنگی" نام نهادند، با آن خاتمی خاتمی کردند، به درگاه جمهوری اسلامی سجده رفتند، که اتفاقاً خواست و مطالبه آنان هم در چهارچوب همان خواست و مطالبه حزب دمکرات بود که جمهوری اسلامی آن را به حزب دمکرات روا ننمید. هدف این بود که بکمد اینها، ماموران رژیم اسلامی در کردستان ایران، از شدت تنفر و انزجاری که بر اثر یورش و حشیانه جمهوری اسلامی به مردم کردستان ایران و در ادامه همانطور که شما هم اشاره کردید، سرکوبها و اعدامهایی وسیعی که جمهوری اسلامی در کردستان ایران راه انداخت، کاسته شود، که مشترکاً در آن ناکام ماندند. در عین حال این ابزاری بود علیه ما و جنبش کمونیسم کارگری و برای چرخاندن فضا بسمت راست و ناسیونالیسم پرو رژیمی و از اینطرف سنگ اندازی بر سر گسترش نفوذ ما در کردستان ایران که جمهوری اسلامی خود را اساساً با آن در تقابل می بیند.

جنبشی که کلیت جمهوری اسلامی سرمایه و بساط اعدام و شلاق و قوانین ضد بشری اسلامی و در کل خرافه اسلام و مذهب و خدا و قرآن او را نشانه رفته است. مضاف ما اساساً با جمهوری اسلامی است، ما صف رادیکال و کمونیست جامعه کلیت جمهوری اسلامی را نشانه رفته ایم، به این ترتیب مصاف ما با جمهوری اسلامی نیز ابعاد وسیعی بخود میگیرد، از خود جمهوری اسلامی و سران جنایتکار آن گرفته تا سبیل کردن هر شخص و حتی نشریه و روزنامه و ارگانی که بکمد و همیاری ناسیونالیسم کرد و سخنگویان آن برای تلطیف جمهوری اسلامی و خاک پاشیدن در چشم توده کارگر و دیگر مردم آزادیخواه کردستان ایران خود را در خدمت حکومت کشتار و جنایت قرار

بظور مشخص تر با شیف شدن به فدرالیسم گام بزرگی به سمت نیروهای دخیل در عراقیزه کردن ایران، به سمت نیروهای فراهم کردن سوخت و مهمات آتش یک جنگ قومی و پاکسازی قومی در ایران برداشته است، که از چشم ما و توده کارگر و دیگر مردم آزادیخواه کردستان ایران دور نمانده است. حزب و جنبش ما در این دوره همگام با تشدید تقابل خود با کلیت جمهوری اسلامی، به یک تقابل همه جانبه تری برای به حاشیه راندن ناسیونالیسم کرد و احزاب و گروههای مربوطه در عرصه وسیع سیاسی و فرهنگی، و خشی کردن بند و بستهای ناسیونالیسم کرد و حزب دمکرات علیه آینده مردم کردستان ایران با راست جامعه و بویژه خنثی کردن طرح ارتجاعی فدرالیسم، احتیاج دارد. این نشان میدهد که ما نه تنها جنبش اجتماعی طبقاتی رقیب و احزاب سیاسی مربوطه را دست کم نمیگیریم بلکه بر یک تقابل اجتماعی وسیع تر با آنان چه در عرصه تقابل با جمهوری اسلامی و خشی کردن بند و بست های آنان و چه در عرصه حرکات اجتماعی و حتی فرهنگی تاکید داریم، به نحوی که تفوق شعارها و آلترناتیوهای حزب و جنبش ما در این عرصه ها بر ناسیونالیسم کرد و احزاب مربوطه علناً در میان توده کارگر و دیگر مردم آزادیخواه کردستان بسیار روشنتر و کارسازتر از گذشته، متحقق شود.

مصطفی اسد پور: وقتی در مورد حضور جمهوری اسلامی در کردستان صحبت میکنیم، آدم یاد پایگاههای نظامی، یاد حمله نظامی جمهوری اسلامی به مردم کردستان ایران و سرکوب این مردم که جمهوری اسلامی در آن دست درازی دارد می افتد، اما جمهوری اسلامی فقط به این ابزارها متکی نشده است، برای مثال دوم خرداد، بهاء ادب، "فراکسیون نمایندگان کرد در مجلس اسلامی"، مطبوعات و نشریات مختلف، جمهوری اسلامی در تقابل با شما مشغول چه کاری است؟ شما مصافهاییتان را با جمهوری اسلامی چگونه می بینید؟

حسین مرادیگی: دوم خرداد که در کردستان ایران، بعنوان بخشی از نیروی ناسیونالیسم کرد، تحت این نام خارج از دایره نفوذ حزبی حزب

که ما تنها یک تاز میدان باشیم، نیروهای دیگری هم هستند، حزب دمکرات یکی از این نیروهاست، بویژه که اخیراً پرچم فدرالیسم را هم در دست گرفته است که از چشم شما هم مخفی نمانده است، شما کردستان را صحنه اصلی کدام کشمکش می بینید؟ **حسین مرادیگی:** کردستان مدتهاست علناً صحنه جدال و کشمکش میان کمونیسم و ناسیونالیسم کرد است، این آن ویژگی ایست که کردستان ایران نسبت به جاهای دیگر ایران پیدا کرده است. این دو جنبش چه در تقابل با جمهوری اسلامی که مردم کردستان عموماً خود را در تقابل با آن می بینند، و چه در مورد دیگر مسائل و معضلات جامعه کردستان، با اهداف، شعارها و آلترناتیوهای خود برای رقم زدن آینده کردستان ایران، در جدال و کشمکش مداوم بوده و هستند. این جدال و کشمکش در یک دوره حتی ابعاد نظامی نیز بخود گرفت. جامعه در واقع حول این دو جنبش، قطبی شده است و این را در مصافها و حرکات اجتماعی مختلف، میتوان بوضوح مشاهده کرد. به این دلیل واضح است ما خود را تنها یک تاز میدان نمی دانیم، بلکه حتی رقیب سیاسی خود را نیز دست کم نمیگیریم. میدانیم همانطور که جنبش کمونیسم کارگری حزب سیاسی خود، حزب حکمتیست را دارد، طرف مقابل، جنبش ناسیونالیسم کرد نیز احزاب و گروههای مربوط به خود را دارد، که حزب دمکرات حزب اصلی جنبش ملی کرد است. ما بر بی اعتمادی رهبری حزب دمکرات بخود، با بحران اتوریته در رهبری این حزب و اختلافات درون رهبری این حزب واقف هستیم، میدانیم شیفت شدن حزب دمکرات از شعار سنتی خود، "خودمختاری" به فدرالیسم، قطعاً تشنهایی را در حزب دمکرات ایجاد کرده است، با این حال خارج از وضعیتی که حزب مربوطه دارد، جنبش ناسیونالیستی کرد در کردستان ایران، نیروی خود را دارد، و نمایندگان و سخنگویان آن حتی خارج از دایره حزب دمکرات نیز از هر فرصتی برای زدن رنگ سیاسی و ایدئولوژیک خود بر حرکات اجتماعی و اعتراضی مردم کردستان علیه جمهوری اسلامی، استفاده میکنند. خود حزب دمکرات

حسین مرادیگی: مبارزه برای آزادی و برابری یک وجهی از مبارزه علیه جمهوری اسلامی و برای بزرگداشتن جمهوری اسلامی است. این آن پراتیک اجتماعی است که در دستور کار ما، جامعه و جنبش سرنگونی طلبی، در ایران و به تبع آن در کردستان ایران قرار دارد، این پراتیک گسترش تلاش برای بزرگداشتن جمهوری اسلامی و رسیدن به آزادی و برابری است. این جنبش، جنبش سرنگونی طلبی، اکنون عرصه رقابت و کشمکش کمونیسم (چپ) و راست جامعه است، هرکدام شدیداً تلاش میکنند که نیروی این جنبش را تحت شعارها و پرچم و مطالبات خود بسیج و گرد آورند. سرنگونی جمهوری اسلامی در دستور کار جامعه و مردم قرار دارد. مردم دارند دنبال آلترناتیو میگردند. حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست باید رهبر این پراتیک اجتماعی باشد، باید رهبر "نه" مردم سرنگونی طلب به جمهوری اسلامی باشد. لازمه این کار سازمان دادن مردم است، متشکل کردن و بهم بافتن نیروی این جنبش است، تحکیم رابطه ما با این مردم است، تبدیل کردن شعار آزادی و برابری و مرگ بر جمهوری اسلامی به شعار این مردم است. هر وقت شعار آزادی و برابری، شعار نه به اسلام و حکومت اسلامی، نه به تبعیض و نابرابری زن، نه به مجازات اعدام و غیره در سطح جامعه به شعار این مردم تبدیل شد، ما به رهبر "نه" عموم این مردم به کلیت جمهوری اسلامی تبدیل شده ایم و مردم زیر پرچم شعارها و مطالبات ما بسیج و متشکل میشوند. این البته کاری مربوط به آینده دوری نیست، کار فوری امروز و چند ماه آینده ماست، حتی زمان و فرصت زیادی هم نیست. این، پراتیک سیاسی همه جانبه تر و وسیعتر و فاعلتی را تا آنجا که به تشکیلات کردستان حزب مربوط است در دستور تشکیلات کردستان حزب میگذارد، باید بطور همه جانبه تری برای آن کار کرد و پروژه های اجتماعی بزرگ و متحد کننده تری را در دستور کار خود قرار دهیم.

مصطفی اسد پور: وقتی میگوییم کردستان فضای سیاسی فعالی دارد که با کمونیسم و حکمتیسم و رادیکالیسم چپ تداعی میشود به این معنی نیست

در باره اعتیاد به مواد مخدر

که بخش زیادی از ناهنجاریهایی که در جامعه اتفاق می‌افتد به نوعی با مواد مخدر در ارتباط هستند، پس میتوان گفت به تمامی افراد جامعه مربوط است. هر چند اکثر خانواده‌های ایرانی یک یا دو نفر از فرزندان خود با مواد مخدر در ارتباط بوده و حداقل دوره‌ای مشکل اعتیاد داشته‌اند

با این وصف متأسفانه نمیتوان آمار دقیقی از میزان مبتلایان به مواد مخدر را ارائه داد. مشکل این است که نهادهایی که مسئول جمع آوری آمار و ارقام از معتادین هستند هیچوقت آمار دقیق را حتی اگر داشته باشند نمیگیرند. دولت و ارگانهای مربوطه از آنجهت که پای خودشان در میان است نمیخواهند آمار دهشتناک مبتلایان به اعتیاد را به اطلاع مردم برسانند.

من برای اطلاع خوانندگان نشریه شما آمار مبتلایان به مواد مخدر در چند شهر از استان کردستان را بیان میکنم تا به نسبت جمعیت هر شهر معلوم شود آمار معتادین چقدر بالا است. در شهر سنندج که مرکز استان کردستان میباشد ۲۵ هزار نفر معتاد بر مبنای آمار رسمی دارد. شهر کوچکی مثل دیواندره که کم جمعیت ترین شهر این استان است ۶ هزار معتاد را دارد. سقز ۱۳۵۰۰ نفر معتاد دارد. در شهرهای دیگر نیز وضع از این بهتر نیست. چنانچه گفتم این آماری است که سازمان بهزیستی که یک سازمان وابسته به رژیم است آن را منعکس کرده است و گرته تعداد معتادینی که هنوز به نوعی اعتیاد خود را پنهان نگه داشته‌اند معلوم نیست چقدر است.

اسماعیل ویسی: بیشتر کسانی که مبتلا شده‌اند، از چه طیفی میباشد؟ بنظر شما علت سوق یافتن و بخصوص جوانان، و گسترش و رشد آن به چه دلیلی است؟

آرام فروتن: بیشتر کسانی که به مواد مخدر وابستگی دارند بسیار واضح است که جوانان میباشد. البته کسانی نیز ۵۰ سال به بالا سن دارند و به مواد مخدر اعتیاد دارند ولی تعدادشان به طور نسبی کم و اندک هستند. بیشتر مبتلایان به مواد مخدر در رده سنی ۱۶ تا ۳۵ سال میباشد.

علت گرایش جوانان به مواد مخدر را میتوان از چند زاویه بررسی کرد. اولین چیزی که میتوان گفت این است که بیکاری و فقر مطلق میباشد. جوانان تا سنین ۱۲ تا ۱۵ سالگی درس میخوانند و درس برایشان جذابیت خاصی دارد ولی بعداً به دلیل نبود امکانات و فقر شدید مالی و نبود یک سیستم آموزش و پرورش صحیح و کارآمد از درس و مدرسه بیزار میشوند

و به جرگه کودکان کار و برده پرتاب میشوند. به مشکل فقر و عدم امکانات تحصیلی و کار در سنین کودکی برای تامین زندگی، اگر عدم شادی و تفریحات سالم و فقدان آزادی و زندگی متعارف در جهنم جمهوری اسلامی را که خود همزمان بانی این وضع است اضافه کنید آنوقت تصویر کامل خواهد شد. اینها همراه خود بیزاری از زندگی و مشکلات روحی و روانی را نیز به همراه دارد. حال در چنین شرایطی نوجوانان یا جوانان که جبر باعث روی آوری آنان به بازار کار بوده است، بعد از مدتی با داشتن درآمدی کاذب و با وجود انواع باندهای مواد مخدر و همزمان ارزانی آن و در دسترس بودن این مواد، در سرخوردگی به مواد مخدر روی می‌آورد و راحت توسط باندها از همان کودکی صید میشود. مواد مخدر تا بخواهید موجود و در عین حال ارزان است و توسط باندهای مافیایی که اکثراً از جانب خود جمهوری اسلامی سازمان داده شده‌اند توزیع میشود.

اسماعیل ویسی: نهادها و انجمن‌های غیر دولتی برای حمایت از معتادین در کردستان بوجود آمده است. آیا بشکل عمومیت یافته‌ای است و یا محدود است؟ اهداف کلی و کارهایی که این نهادها انجام میدهند، چیست و تاکنون چه اقداماتی را انجام داده است؟

آرام فروتن: نهادها و انجمنهای زیادی مانند انجمن معتادین خود معرف که ظاهراً مستقل هستند ولی به رژیم وابستگی دارند و به همین دلیل و به دلیل اینکه هدف آنها ریشه کن کردن اعتیاد نیست لذا از جانب مردم و کسانی که مبتلا به اعتیاد هستند مورد استقبال قرار نمیگیرند. ولی در این میان انجمنها و نهادهایی هم هستند که واقعان برای مبارزه با اعتیاد به میدان آمده و قصدشان کمک به کسانی است که در گرداب اعتیاد هستند و در این راه هم نسبتاً موفق بوده‌اند. اینها در اکثر شهرها شعبه دارند و هدف آنها کمک به کسانی است که قربانی سیاست جمهوری اسلامی شده و معتاد شده‌اند. واقعیت این است که افزایش اعتیاد و پخش مواد مخدر از جانب جمهوری اسلامی به دو هدف صورت میگیرد که یکی و شاید هدف اصلی همانا کشاندن مردم متنفر و بیزار از رژیم و خصوصاً نسل جوان به اعتیاد است و همزمان منبع درآمد بزرگی برای سران جمهوری اسلامی است. به هر حال در مورد نهاد میگفتم که برای نمونه انجمن معتادین گمنام را داریم که اخیراً در تهران همایشی را پیش بردند که ۳۵ هزار نفر در آن شرکت داشتند. این جمعیت اکثر کسانی بودند که تا دیروز خود اعتقاد داشتند که فقط

مرگ میتواند آنها را از دست مواد مخدر نجات دهد. اما به مرور کسان زیادی به این انجمن جذب شدند و به کمک انجمن و تجاری زیادی که دارند ترک اعتیاد کرده‌اند. این انجمن وابسته به هیچ ارگان و دولتی نیست و با کمک اعضای خود کارش را پیش میبرد.

اسماعیل ویسی: جو و فضای اجتماعی "برخورد مردم عموماً" در اماکن عمومی، در هنگام ورود و خروج این افراد چگونه است؟

آرام فروتن: متأسفانه در جامعه به فرد معتاد به عنوان یک مجرم نگاه میکنند در حالی که این دید و نگاه نشانه اوج بی‌اطلاعی و ناآگاهی به واقعیت مسئله است. فرد معتاد بیمار است، آنهم نه بیمار دارای بیماری جسمی بلکه کسی که از نظر روحی بیمار است و نیازمند توجه و احترامی است که بتواند دوباره خود را باور کند و به میان جامعه بازگردد. این توجه و احترام حق انسانی و شایسته اوست و باید داشته باشد. انسان معتاد خود قربانی است و نیمه قربانی را مجرم دانست، مجرم واقعی سیاستی است که اعمال میشه و جامعه و مردم را به چنین روزی انداخته که به اعتیاد پناه میدهد.

اسماعیل ویسی: نقش رژیم اسلامی و ارگانهای وابسته به آن، در پخش و گسترش بخشیدن به این مصیبت اجتماعی را چگونه می‌بینید؟

آرام فروتن: نقش رژیم و نهادهای وابسته به آن در توزیع و گسترش روز افزون مواد مخدر توسط باندهای مافیایی و موجود واقعیتی انکار ناپذیر میباشد. جمهوری اسلامی برای جلوگیری از بالاگرفتن صدای اعتراض مردم و بخصوص جوانان مواد مخدر را بسیار راحت و ارزان در اختیار جوانان قرار میدهد.

بدیهی است که وقتی کسی به مواد مخدر آلوده باشد، در صورت ادامه مصرف قدرت هیچگونه واکنشی را ندارد و این خواسته رژیم است. من باب مثال از هر ۱۰ کیلو تریاک، یک کیلو هروئین بدست می‌آید در حالی که در بازار خرید و فروش مواد مخدر در ایران، قیمت هروئین بسیار ارزانتر از تریاک است. من شخصاً از چند نفر از کسانی که از وابستگی به مواد مخدر رهایی یافته‌اند سوال کرده‌ام که چرا شما در زندان مواد مخدر را ترک نکرده‌اید؟ در جواب گفته‌اند که در داخل زندان به راحتی و ارزان مواد مخدر در اختیارشان بوده و برای کسی که معتاد است فقط مواد مخدر مسئله است حال در زندان یا در بیرون زندان.

اسماعیل ویسی: رابطه سراسری این نهادها با همدیگر در زمینه‌های متفاوت در ابعاد کردستانی و سراسری

ایران چگونه است؟

آرام فروتن: این نهادها با همدیگر رابطهای بسیار تنگاتنگ دارند و در تمامی زمینه‌ها با هم همکاری می‌کنند. در همایشهای درون شهری یا استانی و سراسری و بین‌المللی با همدیگر شرکت میکنند و اگر یکی از اعضای این نهادها احتیاج به کمک داشته باشد فوری به کمک او می‌آیند و مشکل او را رفع میکنند. این نهاد در بیش از ۹۰ درصد از شهرهای ایران فعالیت دارند و بسیار هماهنگ و موفق با هم رابطه دارند.

اسماعیل ویسی: نقش پیرامون در کمک کردن به ترک اعتیاد در ابعاد اجتماعی چگونه است؟ آیا رابطه‌ای منظم برای مشورت و کمک خواستن از والدین با نهادهای حمایتی وجود دارد؟

آرام فروتن: مسئله مواد مخدر و اعتیاد به آن مسئله‌ای جدی و حساس میباشد و چنین نیست که بتوان گفت فقط مربوط به کسانی است که با مواد مخدر در ارتباط هستند و به بقیه افراد اجتماع ارتباطی ندارد! من به تازگی آماری را به دست آورده‌ام که از طرف سازمان بهزیستی که یکی از نهادهای وابسته به رژیم میباشد تعداد معتادین شناخته شده در سراسر ایران در سال ۱۳۷۳ را ۶۵۰ هزار نفر و در نیمه دوم سال ۱۳۷۹ این رقم به ۲ میلیون و ۵۵۰ هزار نفر و در سال ۱۳۸۲ به ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر رسیده است. این ارقام زنگ خطری جدی برای تمام کسانی است که در ایران زندگی می‌کنند. چنین افزایش این مصیبت بزرگ اجتماعی معنایش این است که اعتیاد به مرور زمان به سراغ تمامی جوانان در این جامعه میرود و ربطی به تربیت و تعلیم درست از جانب خانواده و پدر مادر ندارد زیرا این مسئله یک سیاست از پیش تعیین شده و استراتژیک برای باندهای مواد مخدر و سران مرتجع رژیم میباشد که برای ماندن و بقا بر ایریکه قدرت ناچار به این کار هستند. پس این مربوط به تمام جامعه است البته شکی در این نیست که به فرد معتاد ایفا میکنند. چون فرد وابسته به مواد مخدر زمانی که قصد رهایی از اعتیاد را دارد بیشترین کمک را از جانب خانواده پذیرا میباشد و خانواده‌ها نباید این احساس شرم را داشته باشند که فرزندان معتاد است بلکه باید به این مسئله به طور دیگری نگاه کنند و ببینند که مشکل از کجاست و کارهای گذشته او را به وی یاد آور نشوند و او را برای ورود به زندگی جدید و تازه آماده کنند و با لحاظ روحی او را تأمین نمایند. و با شرکت در جلسات مخصوص خانواده‌ها که از جانب نهادهای حمایتی برگزار

میگردد بتوانند با انتقال تجربیات خودشان به دیگر افراد جامعه این معضل بزرگ را برطرف نمایند چون نهادهای حمایتی بیشتر روی این نکته تأکید دارند که والدین و پیرامون بیشتر از هر کسی میتوانند به افراد معتاد کمک کنند.

اسماعیل ویسی: به نظر شما راه حل چیست؟ و پیامتان برای افراد و نهادهای حمایتی و دیگر مردم در حمایت و نحوه برخوردشان به این کسان چیست؟

آرام فروتن: ببینند من در اول سوالات هم گفتم که به یک فرد وابسته به مواد مخدر نباید به عنوان یک مجرم نگاه کرد بلکه باید نسبت به او مانند یک بیمار نگاه کرد و نباید از دیدگاه کارهای گذشته‌اش او را نگاه کنیم. چون اگر کارهای گذشته او را ملاک قرار دهیم هیچگونه کار مثبت و درستی را انجام نداده است و این ناشی از تفکر بیمار او بوده است و او از خود هیچگونه اختیاری را نداشته است و برای تسکین درد ناشی از کمبود مواد مخدر دست به هر کاری میزنند و این اعمال از عوارض مصرف مواد مخدر بوده است. پس والدین و اطرافیان یک فرد مبتلا به مواد مخدر باید به یک فرد معتاد بقبولانند که رهایی از مواد مخدر درد بی‌درمانی نیست و با کمک و همکاری یکدیگر میتوانیم کاری را که خود به تنهایی قادر به انجامش نبوده‌ایم به کمک هم میتوانیم انجامش دهیم. چون یک معتاد در تنهایی محکوم به فناست ولی به کمک همدیگر میتواند تولدی دوباره به دست آورد و من در اینجا از تمامی افراد جامعه خواهش میکنم که این حقیقت را در نظر بگیرند که معتاد یک انسان است که قربانی سیاست های کثیف سردمداران قدرت شده است و باید به آنها امکان زندگی دوباره بدهیم و طوری با آنها برخورد کنیم که احساس شرم و نا امیدگی نکنند و این باور غلط را که یک فرد معتاد هیچ وقت نمی تواند یک زندگی عادی را داشته باشد از ریشه قطع کنیم و با اراده ای محکم و عزمی همگانی برای مبارزه با مواد مخدر و بانیان آن به پا خیزیم تا بیشتر از این به دام این ارمغان شوم سرمایه داران ضد بشری نیفتیم. آنچه مسلم است و راستش حتی ممکن‌تر و ساده‌تر است کنار گذاشتن و به گور سپردن بانی اصلی این وضعیت یعنی جمهوری اسلامی است. اتمام اعتیاد و ایجاد جامعهای سالم و رهایی واقعی از دست این مشکل وسیع و خطرناک وقتی ممکن است که جمهوری اسلامی را کنار بزنیم و جامعهای انسانی و مرفه را برپا کنیم و برپا کنیم. این راه ممکن و اکنون از هر زمان بیشتر امکان‌پذیر است. به امید دیکای بهتر. ■

تور سیاسی موفقیت آمیز هیاتی از سازمان آزادی زن عراق و حزب کمونیست کارگری عراق در ژاپن



هوزان محمود نماینده سازمان آزادی زن در عراق و موید احمد عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق در یک تور سیاسی موفقیت آمیز به منظور جلب حمایت‌های سیاسی و مالی و همبستگی با مبارزه توده‌ای علیه اشغال نظامی عراق و علیه حرکت‌های اسلامی در



کنفرانس‌های مطبوعاتی شرکت کردند و به تبادل نظرات مفید و موثری ادامه دادند.

هوزان محمود و موید احمد از چادرهای کمپ محل زندگی بی مسکنها در شهر اوساکا بازدید کردند و با فعالین دفاع از حقوق بی مسکنها دیدار و گفتگو کردند.

آنها علاوه در توكيو در كنفرانس اقدام برای صلح كه توسط جوانان ژاپنی سازمان داده شده است شرکت کردند. در این مجموعه فعالیتها علاوه بر جلب سمپاتی و همبستگی برای مبارزات مردم عراق و سازمانهای پیشرو کارگری و مدنی عراق، تعدادی به کمیته همبستگی با مبارزات مردم عراق برای مدنیست و علیه اشغال نظامی و علیه حرکت‌های اسلامی پیوستند.

این تور سیاسی ده روزه انعکاس وسیع و موثری در رسانه‌ها و دواير نهادهاى مدافع حقوق مدنی ژاپن بر جای گذاشت.

از طرف اکتبر به سازمان آزادی زن در عراق و به حزب کمونیست کارگری عراق و به رفقا هوزان محمود و موید احمد خسته نباشید میگوئیم و برایشان موفقیت‌های باز هم بیشتری در ادامه مبارزه در دفاع از حقوق مدنی مردم و جامعه عراق آرزو میکنیم.

برسانند. هوزان محمود و موید احمد كه توسط چند نهاد و سازمان پیشرو و آزادیخواه از جمله "کمیته همبستگی با مقاومت‌های مدنی مردم عراق" و "جنبش سوسیالیسم دموکراتیک"، "تریبونال بین المللی برای جنایات در عراق" به ژاپن دعوت شده بودند، در این تور سیاسی ۱۰ روزه با تعدادی از وکلای مترقی، مبارزین حقوق بشر و فعالین سیاسی و اجتماعی و

دیگر مجروحان ادامه دهید در ادامه همبستگی آنان، مجروحین و خانواده هایشان را مورد دیدار و پشتیبانی قرار دهید با تجمع اعتراضی در مقابل فرمانداری خواهان پس دادن اموال تاراج شده مردم شوید

مردم، جوانان!

در هر محله ای که مزدوران گستاخی چنین تعرضاتی را نمودند باید با سنگباران و پاسخ دندان شکن شما مواجه شده و به عقب نشینی و زبونی بیفتانند باید تمام محلات و محل حضور مردم به میدان اعتراض و مبارزه شما و محل هزیمت و شکست مزدوران رژیم کثیف اسلامی تبدیل شود.

کمیته سردشت حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست با قدردانی از این حرکت مبارزاتی و آرزوی پهبودی سریع برای مجروحین، خود را همدوش مقاومت و مبارزه شما میدانند و از اعتراضات شما پشتیبانی می نمایند

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد سوسیالیسم!

کمیته سردشت حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

ali_abdali_7@yahoo.se

اطلاعیه کمیته سردشت

تعرض نیروهای رژیم ب مردم و پاسخ جسورانه مردم سردشت به مزدوران!

انتقال پیدا میکند در اثر این حمله وحشیانه نیروهای رژیم همچنین تعدادی از مردم، از جمله چهار زن در اثر پرتاب گاز اشک آور آسیب شدید دیده که دو نفر از آنان به بیمارستان ارومیه انتقال داده میشوند

مردم مبارز سردشت!

درود بر شما و مقابله جسورانه آنان در مقابل سرکوبگری و تاراج وحشیانه نیروهای رژیم اسلامی، این نه اولین بار است و نه آخرین بار خواهد بود که جان و مال و حرمت انسانی شما اینگونه از جانب سرکوبگران جهل و سرمایه مورد تعرض قرار میگردد تنها راه کوتاه کردن دست جنایتکاران، مقابله متحد شما و اعتراض دسته جمعی در برابر آنان است

اعتراض و فشار سیاسی خود را علیه رژیم بمنظور شناسائی و معرفی عاملین تیراندازی و مجروح کردن محمد احمدپور و

ساعت ۷ غروب سه شنبه اول دیماه ۸۳ نیروهای انتظامی رژیم اسلامی در ادامه چپاولگری خود دو ماشین تویوتا حامل اجناسی شامل تلویزیون و آدامس را از خارج شهر تحت تعقیب قرار میدهند وقتی ماشینها بداخل شهر میرسند در محله تربیت بدنی مزدوران قصد تصرف اموال را می نمایند که با مقاومت سرنشینان مواجه میشوند، با اطلاع حاصل کردن مردم، تعداد زیادی جمع شده و به مقابله در برابر مزدوران و حمایت از صاحبان اجناس می پردازند مردم خشمگین شعار مرگ بر رژیم اسلامی را سر میدهند و ماموران انتظامی را سنگباران می کنند مردم با استفاده از چوب و سنگ تلاش میکنند تا اجناس توقیف شده را از مزدوران پس بگیرند

ماموران رژیم شروع به تیراندازی و نیز پرتاب گاز اشک آور می نمایند در نتیجه تیراندازی جوانی بنام محمد احمد پور در اثر اصابت گلوله از ناحیه شکم شدت مجروح میشود که ماموران اطلاعاتی وی را به بیمارستان شهر انتقال میدهند ولی بدلیل شدت جراحات نامبرده به بیمارستان ارومیه

اولین جلسه محاکمه فعال کارگری برهان دیوانگر در سقز

امروز شنبه ۵ دی ماه اولین جلسه محاکمه برهان دیوانگر از فعالین کارگری سرشناس سقز برگزار شد. برهان دیوارگر صبح امروز همراه یکی از وکلای کارگران دستگیر شده به نام مهشید محدود به دادگاه مراجعه کرد، دادگاه رژیم، برهان دیوارگر را متهم به ارتباط با احزاب و جریانات سیاسی و تجمع غیره قانونی کرده است، برهان اتهامات وارده را رد کرده است. طبق اطلاع برهان در اولین جلسه محاکمه خود به نحوه محاکمه اعتراض و اعلام کرده است که در ایام بازداشت مورد شکنجه وادیت و آزار بازجویان اطلاعات قرار گرفته و خواهان حضور ماموران اطلاعات در جلسه

دادگاهی خود می باشد. به احتمال زیاد جلسه دوم دادگاهی برهان روز ۱۵ همین ماه برگزار خواهد شد. از تمام احزاب و جریانات مدافع حقوق انسان، واتحادیه های کارگری میخواهیم که به محاکمه این کارگران اعتراض کنند ونگزارند جمهوری اسلامی این کارگران را محاکمه و به زندان بیندازد. جزئیات بیشتر را در اطلاعیه های بعدی کمیته سقز حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست به اطلاع عموم خواهیم رساند! کمیته سقز حزب کمونیست کارگرایران- حکمتیست

۱۳۸۳ دی ماه ۲۵ دسامبر ۲۰۰۴

یک هفته اعتصاب کارگران نساجی و توطئه سکوت کارفرما و دولت!

صدها کارگر نساجی کردستان در شرایط بسیار سخت و دشواری به مبارزه و ایستادگی خود ادامه میدهند. کارگران حقوق ماه قبل خود را دریافت نکرده اند و هم اکنون با جیب و سفره خالی و فقر و گرسنگی مطلق روبرو هستند. برای تأمین زندگی روزانه خود و خانواده هایشان دست کمک بسوی مردم دراز کرده اند. در مقابل، کارفرما و مدیریت سکوت کرده و یا تهدید میکنند که تا دو ماه دیگر همه کارگران را اخراج و کارخانه را به بخش خصوصی واگذار میکنند تا با استخدام کارگر قراردادی جدید کارخانه را بچرخانند. همچنین از طرف اطلاعات و مراکز دولتی به روزنامه ها و رادیو ها گفته شده که هیچگونه اخباری از اعتصاب کارگران را پخش نکنند. شش نفر کارگر اخراجی (شهرام چناره، زاهد ناصری، علی خیر آبادی، محمد کاکه، جبار محمدی و عبدالله جعفری) هر روز به کارخانه مراجعه کرده اما با درهای بسته روبرو میشوند. کارگرانی که تا کنون در شیفتهای نوبتی در کارخانه حاضر و به تحصن می نشینند

آنها نمی بخشیم. کارگران و مردم آزادخواه سنج!

در این روزهای سخت و دردناک برای صدها خانواده کارگران نساجی، حمایت خود را از آنها دریغ نکنید. صدای اعتراضات را بلند کنید. نامه، اطلاعیه و طومارهای حمایت بنویسید. برای کارگران و خانواده هایشان در میان خود کمک مالی جمع آوری کنید و به آنها برسانید. این جانوران دیوسفت میخواهند کارگران را تحت فشار فقر و گرسنگی به زانو در بیاورند، آنها را به سکوت و تسلیم وادارند، دسته دسته اخراج و به مرگ تدریجی محکومشان کنند. با حمایت انسانیتان جلو این جنایت را بگیرید. کارگران، دوستان!

شمشیر تهدید رژیم و مدیرانش و سرمایه داران خصوصی و دولتی بر بالای سر همه شماست. تنها در یک همبستگی مبارزاتی و حمایت پیدریغ از همدیگر میتوانید این تهدید و دست درازی به حرمت و انسانیت و زندگیتان را از سرتان کوتاه کنید. ما تلاش میکنیم صدای کارگران نساجی را به گوش طبقه کارگر جهانی و همه انسانهای آزادخواه برسانیم.

کمیته سنج حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۸ دیماه ۸۳
۲۸ دسامبر ۲۰۰۴

مسب واقعی این جنایت میباشد و باید به این جنایت ها پایان داده شود.

ما ضمن همدردی و تاسف عمیق خود به خاطر این واقعه دل خراش از صمیم قلب به خانواده و عزیزان او تسلیت می گویم و خود را در غم آنها شریک می دانیم.

خاتمه دادن به این وضعیت و به این بربریت و داشتن زندگی انسانی تنها با مبارزه علیه این رژیم امکان پذیر است و باید این ننگ بشریت را از سر راه برداشت.

کمیته بانه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۳ دیماه ۱۳۸۳
۲۳ دسامبر ۲۰۰۴

پیام به کارگران نساجی کردستان - سنج

دوستان! ایستادگی شما در مقابل اخراج ۶ نفر از همکارانتان در چند روز اخیر اوج همبستگی کارگری و اتحاد و همدلی و انساندوستی شما را نشان داده است. مبارزه شما، اعتصابات پشت سر هم شما و تصمیم و ارادتان به دفاع از حقوق خود و همکارانتان نقطه عطفی در جنبش کارگری، در شهرتان، در منطقه و در سراسر ایران است. به همین دلیل است مبارزه شما چه در دوره قبل و چه در حال حاضر از حمایت و همبستگی و سمپاتی کارگران و مردم برخوردار است.

اعتصاب و ایستادگی شما، پاسخ عادلانه و حق طلبانه تان به سرمایه داران، کارفرما، مدیریت و دولت این صاحبان سرمایه و سود در بنیاد مستضعفین است. اینها تا زمانی که به شما احتیاج داشتند از نیروی کارتان استفاده کردند. شما ۱۰- ۱۵ سال برای این طمعکاران سود تولید کردید. آنها شیره جان شما را مکیده اند و وقتی جیبشان را پر کردند بیشترانه اعلام میکنند که دیگر به شما احتیاجی ندارند. این جنایتی آشکار نسبت به انسانیت شما، زندگیتان و سرنوشت خانواده های شما شریفترین انسانهای جامعه است.

آنها دسترنج شما را میبرند، حاصل کار شما را میخورند و در مقابل زندگی خود و بچه هایشان احساس مسوولیت نمیکند. این شکم سیران کثیف میخواهند شما و خانواده هایتان را با سفره خالی و حتی بدون سرپناه رها کنند. این قابل قبول نیست. شما و خانواده هایتان در تمام این سالهای با کابوس ترس از اخراج و بیکاری زندگی بسر برده اید. هر دوره به بهانه ای تعدادی از شما را اخراج کرده اند. از جمله همکاران شما را در سالن بافندگی هر کدام با بیش از ۱۵ سال سابقه کار اخراج نمودند و تا کنون به تعهداتشان مبنی بر برگرداندن به سر کار یا پرداخت خسارت و بیمه بیکاری و بیمه بازتثستگی آن حداقل توقعی که کارفرما و دولت باید به آن گردن

نهند، عمل نکرده اند. همکاران شما از جمله هوشنگ برفی و امیر دادفر بر اثر فشار کار و بیماری ناشی از آلودگی محیط کار جانشان را از دست دادند. هم اکنون بیش از نصف شما به بیماری شنوبلی دچار شده و بقیه هر کدام به نوعی از بیماری تنفسی و ریوی و دیسک کمر و ناراحتی پوستی رنج میبرید. این اوج توحش و بیعدالتی است. نظام و سیستمی که اینچنین کارگران را به بردگی و بیحقوقی و مرگ تدریجی محکوم میکند ننگ بشریت است و باید زبرو شود. ننگ و شرم بر کارفرما و مدیریت و دولتی که شما را به این روز انداخته اند و خود در ناز و نعمت بسر میبرند. دوستان! برای شما هیچ راهی جز تحصن و اعتصاب وجود ندارد. تصمیم شما به گرفتن حقتان، از راه اعتصاب، تنها راه باقیمانده پیش پایتان است. مدیریت و کارفرماها دولتشان را دارند، پلیس و نیروهای سرکوبگرشان را دارند، اما شما هم تنها نیستید، همکاران شما در شاهو که بیش از ۲ ماه است دستمزدشان پرداخت نشده، همه بخشهای کارگری در شهر شما، طبقه کارگر در سراسر ایران و همبستگی و حمایت بین المللی طبقه کارگر را پشت سر خود دارید. مبارزه شما جمعی و متکی به اراده و نیروی عظیم اجتماعی طبقه شما است. به شرکت خانواده هایتان در مبارزه، به حمایت هم طبقه هایتان و اراده و تصمیمتان به ایستادگی تا تحقق خواسته هایتان اتکا کنید! ما از کارگران بخشهای مختلف در سنج، کارگران شهرک صنعتی، اتحادیه خبازان، خیاطان، کارگران شهرداری و ... میخواهیم که به حمایت شما برخیزند. ما طبقه کارگر را در سطح بین المللی به همبستگی و پشتیبانی از خواسته های عادلانه و برحق شما فرا میخوانیم. ما تا به آخر در کنار شما ایستادیم. به شما و حامیانتان و به خانواده و فرزندانتان درود میفرستیم.

مظفر محمدی

۵ دیماه ۸۳
۲۵ دسامبر ۲۰۰۴

E-mail: mozafar_mohammadi@yahoo.com
Tel: 0046762258028

به حزب کمونیست کارگری حکمتیست پیوندید!